

در طول تاریخ مولانی که از بهشت نبی مکرم اسلام (ص) می گذرد شخصیت ولای آن حضرت همواره مورد ستایش مسلمانان بوده و در ادبیات اسلامی (عربی، فارسی و...) بسیار مدح و ستایش شده است اما نکته جالب آن است که این ویژگی تنها مختص به ادبیات ملت های مسلمان نیست بلکه در ادبیات سایر ملل و حتی ملت های غیر مسلمان نیز شخصیت کمالات و به ویژه دستاورد و ارمان الهی آن حضرت برای بشریت یعنی دین اسلام بسیار تکرم شده است. نکته دیگر بزرگ آلمانی و ناپسندی از جهان غرب از جمله شخصیت های بزرگ غربی است که شیفته مشرق زمین اسلام و فرهنگ ایرانی بوده است.



یوهان ولفگانگ فن گوته شاعر و نابغه بزرگ آلمانی در تاریخ ۲۸ اگوست سال ۱۷۴۹ میلادی در شهر فرانکفورت دیده به جهان گشود از کودکی تحت مراقبت پدر به فراگیری زبان ها و علوم مختلف پرداخته سپس به امرار پدر به تحصیل در رشته حقوق پرداخت اما طبع شاعرانه اش او را به ادبیات سوق داد و از نخستین سال های جوانی با انتشار اشعار و رمان های مختلف به اوج شهرت رسید رمان خنم های روز تر جوان در ۲۵ سالگی وی در سراسر اروپا منتشر شد نمایشنامه ها و آثار ادبی گوته بسیار زیاد و گوناگون است اما مهم ترین اثر گوته تراژدی «فاوست» است که نقطه اوج آثار او به شمار می رود. تراژدی فاوست یکی از برترین آثار ادبی جهان است که در آن داستان پیمان شیطان با دانشمندی به نام دکتر فاوستوس تشریح می شود.

گوته از جوانی با اسلام و قرآن آشنا می شود و جالب آنکه این دغدغه و انگیزه جوی تا کنین سالی یعنی زمانی که «دیوان غربی» غربی را می نگارد همواره با او همراه است گوته در ۲۲ سالگی خنمه محمد را می سراهد و در ۸۰ سالگی دیوان غربی غربی را تدوین می کند البته او طی این سال ها همواره به مشرق زمین علاقمند بوده و کوشیده است تا بر دانشه اطلاعات خود در این زمینه

ببازاید اما در سال ۱۸۱۴ با ترجمه آلمانی دیوان حافظ روبرو می شود و چنان تحت تأثیر این شاعر عارف ایرانی قرار می گیرد که در دفتر خاطراتش می نویسد: هرگز نمی توانم اشتیاقم را کنترل کنم باید حتما در برابر این همه جنبه کنایی تدوین کنم که دیوان شرقی - غربی حاصل تأملات و اشتیاقی گوته به مشرق زمین و به ویژه اسلام و ایران است گوته دیوان خود را در ۱۲ دفتر با نام های فارسی تدوین می کند و نخستین شعر آن را با تأثیر از «هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه» «هجرت» نامگذاری می کند و می گوید در سفری روحانی به مشرق زمین با حافظ شیرازی همراه شوم.

نغمه محمد گوته در حورانی جوانی نمایشنامه های زیادی تصنیف می کند که یکی از این نمایشنامه ها تراژدی محمد نام دارد این تراژدی نام تمام می مانند اما از این اثر تمام بخشی باقی مانده است که «نغمه محمد» نام دارد نسخه محمد در واقع صحنه گفتگو و دیالوگ میان حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه است که آن دو پیامبر را به رودی تشبیه می کنند که از کوهساران سرچشمه گرفته تا به قیاقوس برسد و در مسیر خود همه رودها را با خود همراه می کند و آنان را به سمت قیاقوس رهسپار می شود.

علی بنکر بنان چشمه همان که از کوهساران می جوشد چه با عذراوت و شد و می تواند به سان چشمان ستارگان آن گاه که می درخشند فاطمه از فرات برها سرشاخه هایش سرریز می شوند بر خاسته از روح های پاک در میان صخره ها و در بوته زارها علی به تازگی و طراوت جوانی از فرات می نزند بر روی صخره های مرمرین و آن گاه دوباره به سوی آسمان

سرشاد، هاله شادی سر می دهد فاطمه و از میان صخره ها نواز گداز گاه قنعه سنگی زهای رنگین را شکل می کند علی و باورودی پیشوا گونه و راهبر همه چشمه ها را که بر اثر روند باخویش همراه می سازد فاطمه: و نهرها به استنداش مشتاقانه همراه می شوند و او اینک به گستره دشت قدم نهاده است و می درخشند با تالوای نقره گون علی و نهرهای جزئی از کوهساران با نشاط او را می خوانند و فریاد می آورند علی و فاطمه (ناهمه) بر ابرو!

بر لبه برافروخت را مرید و با خویش بر گیر - تشبیه کردن پیامبر گرامی اسلام به رودی بزرگ که راهی قیاقوس می شود تصویر بسیار جناب و جالب توجه است زیرا به اعتقاد خنم پروفسور آنه ماری شیمل اسلام شناس مشهور آلمانی هیچ شاعری پیامبر را به رود بزرگ تشبیه نکرده است و این تشبیه تنها در یک حدیث از امام باقر (ع) در اصول کافی آمده است.

امام باقر (ع) فرمود: مردم رطوبت را می کنند و نهر را راها می کنند عرض شد: نهر بزرگ چیست؟ فرمود: رسول خدا و علمانی که خدای عزوجل به او عطا نموده است. همانا خدای عزوجل سننهای تمام پیامبران را از آدم تا برسد به خود محمد (ص) برای او گرد آورده عرض شد: آن سنن ها چه بود؟ فرمود: همه علم پیامبران و رسول خدا (ص) تمام آن را به نهر المومنین (ع) تحویل داد.

گوته بی گمان این حدیث را نخوانده بوده و از این تشبیه زیبای اطلاع نداشته اما با استفاده از قریحه و ادب خود در گفتگو میان جهان حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) پیامبر را به رودی بزرگ تشبیه می کند این رود از کوهساران و از فراز ابرها سرچشمه گرفته است یعنی سرچشمه این آب از آسمان است و به عبارتی دیگر وحی بر پیامبر، منشأ آسمانی فلزهای این رود دره سیر خود همه رودها را با خود همراه می کند و همه آن ها را هدایت می کند تا به قیاقوس برسد قیاقوس در زبان عربی «المحیط» خوانده می شود و الم محیط یکی از اسامی الهی است از سوی دیگر آب در میان همه اقوام و ادیان، نماد روشنایی، زایش، حیات و پاک و لطافت و مهربانی است بنابراین تشبیه وجود مجازک پیامبر اسلام به آب از هر منظری زیباست، چرا که به اعتقاد شاعر، او مظهر حیات بشر است و آمده است تا انسان ها را از پلیدی ها پاک کند جز بخش های مختلف این شعر زیبا مقاطع گوناگون زندگی آن حضرت در قالب تصاویر بیان شده است به عنوان نمونه در یک بند از آن بر لزوم بعثت پیامبران و نیاز به فرستادن آنان برای هدایت بشر تبیین شده است: در ادامه گفتگو گوته رودها به این رود بزرگ می گویند ما را با خود به قیاقوس ببر، زیرا اگر ما را رها کنی!

علی چرا که ما را در کویر خشک می مانند سنگریزه های حریص و آفتاب سوزان از فرات آسمان خون ما را می مکد و تپه های ناگه راه را بر ما می بندد و از رسیدن به بر که بازمی نارد برادر را در باب برافروخت را در این گستره دشت به هبارت روشن تر اگر نبی و راهبر نباشد

انسان ها در ظلمات و سنگریزه ها گرفتار می شوند و نمی توانند به سلامت دست یابند در جایی دیگر به هجرت پیامبر از مکه به مدینه اشاره می کنند علی و اینک این رود در لحظه با عظمتی بیشتر به پیش می رود و سلاسل ای از آبها تبار او را خواهند ساختند و آبها آن رهبر را بر شانه های خویش بلند کرده اند و بر همه لپه اتوری ها چیر می شود و نقش را به سرزمین های می بخشد و در مقدم او مدینه ساخته می شوند ساخته سخن شهرها در مقدم پیامبر اسلام و بخشیدن نقش به این شهرها اشاره به هجرت پیامبر اسلام و تغییر نام شهر یترب به مدینه انبی طرد گوته این شعر زیبا را که نمی توان آن را به طور کامل در این مجال مختصر گنجاند در ۲۲ سائگی می سراهد اما پریش این جاست که گوته در مشرب زمین و اروپا که این همه علیه دین اسلام و پیامبر گرامی آن تباہات مروغین شده و می شود چگونه توانسته است به این فهم و دریافت برسد!

نخستین مطالعات گوته درباره قرآن به سال ۱۷۷۱ و ۱۷۷۲ م. اتفاق افتاد و این موضوع درست در زمانی رخ داد که گوته نسبت به برخی از موضوعات مسیحیت به تردید افتاده بود. گوته در تعلیم پیامبر اسلام مطالبی می یافت که جایگزین های مناسبی نسبت به برخی مطالب دکاتولیک در مسیحیت بودند از دیگر سوی، گوته در شخصیت پیامبر اسلام فردی را نظاره می کرد که رسالتش رانه فقط به وسیله کلام و پیام بیان می نمود بلکه او برای بیان رسالتش حکومتی اسلامی بنیان نهاد که تمام گروه ها و فرقه ها را با هم متحد و یکجا ساخت.

از سوی دیگر گوته ترجمه های قرآن به زبان های آلمانی، فرانسوی و انگلیسی را خوانده بود گوته از مفاهیم آیات قرآن در برخی از ابیات دیوان شرقی نیز بهره جسته است. منشی نغمه شعر از کتی: خدوتان ستار معاز از آسمان نشند تا از انصای شمار خشکی و در پایا شدند پس در گستره آن ها به گشت و تاملنا روید نگاهتان پیوسته به فراز این ابیات متأثر از آیه ۹۷ از سوره قنم است که می فرماید:

هو لست خدایی که ستارگان را پدید آورد تا به آن ها در تاریکی های خشکی و در باره پایا آیت را برمی آنان که می دانند به تعظیم بین کرده ایم و به

منشی نغمه شعر طلسمت پنجگانه: شرقی از آن خدایت غربی از آن خدایت سرزمین های شمالی و جنوبی در دستان او آر میداند این ابیات متأثر از آیه ۱۱۵ از سوره بقره است: همسری و مغرب از آن خدایت پس به هر چارو کنید همان چارو به خدایت خدا فرایح رحمت و دلفاست.

گوته آنچنان شیفته فرهنگ و مفاهیم اسلامی است که در شری از دیوان شرقی از این که خود را مسلمان بنشد هیچ ابایی ندارد اگر اسلام به معنای تسلیم شدن در برابر خداوند است پس ما همه در اسلام به دنیا می آیم و به اسلام می میریم

برخی از اندیشمندان غربی شیفتگی گوته به اسلام و فرهنگ مشرق زمین را بی نظیر می دانند و معتقدند که در طول تاریخ کمتر می توان نمونه ای را سراغ داشت که در آن شاعری از آن سوی عالم شیفته اندیشمندی شرقی شود اما به هر حال گوته نوشته است از پس همه پیش داوری های غربی گوشه ای از حقیقت را ملاحظه کند و به اسلام و فرهنگ آن علاقمند شود



Advertisement for 'Nagme' (نغمه) by Muhammad Akhgar. The ad features a large stylized calligraphic title 'نغمه محمد اخگر' and 'نغمه سرودهای از گوته در مدح و ستایش اسلام'. Below the title is a large, decorative graphic element resembling a stylized 'A' or a calligraphic flourish. The background of the ad is light-colored with some faint text and graphics.